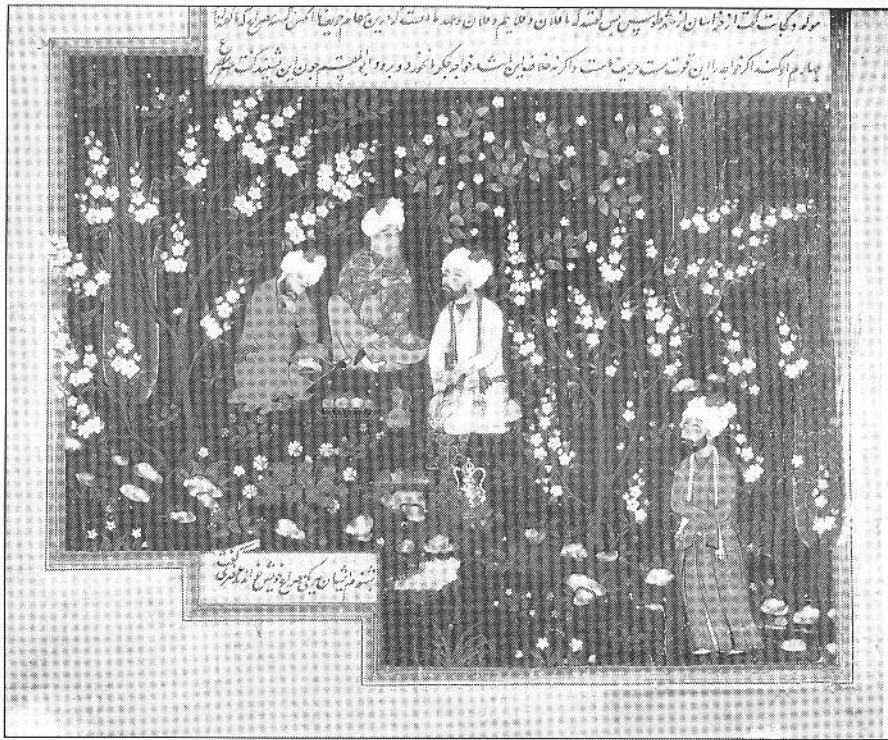


برگی از شاهنامه شاد اسماعیل دوم فردوسی به سوی شاعران دربار غزنه می‌رود مکتب قزوین، به تاریخ ۹۸۴ هـ.ق. موزه رضا عباسی، شماره اثر: ۶۲۸.



باغ در نگارگری ایرانی

بتول احمدی

مساجد نمایان می‌سازند. نقاش ایرانی در برخورد با طبیعت در حقیقت آن چه را که زیباست به تصویر در می‌آورد و هر پدیده دل‌انگیزی را به چشم بیننده نزدیک می‌کند و صحنه را یکپارچه روشن و درخشان می‌آفریند. در صحنه‌ها و مجالس نگاره‌های او، منظره‌سازی نیز اغلب خیالی و افسانه‌آمیز است، همواره بهار است و جوانی و درخشش نور است و روشنایی. در کلامی کوتاه، طبیعت در نگارگری ایرانی سپیده‌دمی است که هرگز غروب نمی‌کند، و شکوفه‌زاری است که هرگز خزان نمی‌بیند.

فرهنگی سرزمین ما را در بر می‌گیرد، ضمن دارا بودن ارزش و غنای بسیار، گنجینه‌ای سرشار از لطف و زیبایی و تفکر و اندیشه است. نقاشی ایرانی دارای حرکت است، از افقی به افق دیگر به دور از نمایش واقعیتها به نحوی خالص که اسلام آن را منع کرده و هنر اسلامی همواره از آن دوری جسته است. شاعر عارف ایرانی همواره به گونه‌ای به «خالق یکتا» اشاره دارد و در هر کلامی پیامی از وجود خداوند را به ارمغان می‌آورد و در پی همین اندیشه، نقاش ایرانی هم سعی دارد که جهان کوچکش را تا به نهایت زیبا بیافریند. زیرا که او هم بر این باور است که خداوند خالق زیبایی است و زیباییها را دوست دارد، و او نیز در لابه‌لای طرحها و رنگهای دل‌انگیزش از واقعیات جهان مادی دوری گزیده به جست‌وجو و کنکاش در پی چیزی است که معمار ایرانی آن را در قالب کاشیهای الوان و نقوش به هم پیچیده‌اش، و آجرکار و گچکار ایرانی آن را در طرحها و نقشهای بدیع و عاری از رنگ آجر و گچ

هم‌زمان با برگزاری همایش باغ ایرانی، موزه رضا عباسی نیز اقدام به برپایی نمایشگاهی از آثار نگارگری ایرانی، که نقشی از طبیعت را به همراه دارند کرد. هر چند که این نمونه‌های اندک نمی‌توانند میزان دلیستگی هنرمند ایرانی را به طبیعت و حد توانایی او را در نقش‌آفرینی به نمایش بگذارند، همین اندازه می‌توان یادآور شد که تک‌بیت‌های دلنشینی هستند از دیوان شعر میراث فرهنگی ایران و گوشه‌هایی هستند از دنیای زیبا و پر از افسون آثار ایرانی.

میراث بزرگ ادبیات فارسی از طریق کتب خطی برای ما به جا مانده است. در این میان نقاشی با ادبیات پیوندی ناگسستنی یافته و همواره وسیله مصورسازی و به تصویر کشیدن اندیشه‌ها و افکار نویسندگان بوده است و در همین رهگذر نیز زبانی همپای و همسوی نوشتار کتاب یافته است. زبانی شاعرانه و پر از راز و رمز.

نگارگری ایرانی که بخش وسیعی از بازمانده‌های

در ذهنیت ایرانی، باغ تصویری فراگیر دارد؛ به اندازه‌ای که قرن‌هاست به صورت بینشی درونی درآمده است و جزئی از فرهنگ آن به شمار می‌رود. جوانب این باغ درونی که توسط مناظر، ویژگی‌های تاریخی، مذهب و بویژه سنت ریشه‌دار شعر و تفکر عرفانی شکل می‌گیرد، در تمام وجوه و سطوح زندگی نمایان است. باغها به بیانی، روح و مظهر طبیعت تلقی می‌گردند و در سرتاسر گیتی به مثابه رجعتی به اعتقادات باطنی می‌باشند. گاهی این زبان به صورت تصاویر گیاهان و نه آن زبان خشک و مجازی گلها که در ادبیات غرب دیده می‌شود - اگرچه در ایران زمین در مراحل مختلف توسعه‌اش، معادل‌هایی برای آنها به وجود آمده است - بلکه به صورت اشاره‌ای به ظاهر معمولی و مکرر به گلها نمایان می‌شود. این اشارات همچون گل‌های باغهای سنتی ایرانی، به صورت طبیعی و خودرو و نه در ردیف‌ها و دسته‌های مختلف که همان گونه که طبیعت آنها را می‌کارد، ظاهر می‌شوند.

گل‌ها گنجینه‌ای همیشگی هستند. اطلاعات درباره‌ی این که منشأ اصلی کدام گونه از گلها در ایران زمین بوده و کدام گونه به این سرزمین معرفی شده، ناکافی است؛ زیرا مبادله‌ی گیاهان با سایر مناطق و پرورش آنها قرن‌هاست که ادامه داشته‌است و در آن زمان از عمل پیوند برای تکثیر گیاهان استفاده و گزارشی درباره‌ی گیاهان ثبت نمی‌شد. حتی تاریخ پیدایش «رز» - گل سرسبد گلها، که نام «گل» برگرفته از آن است و به صورت اسم عام برای تمام گلها به کار می‌رود - نامعلوم است. به نظر می‌رسد اجداد گل محمدی صورتی در کشورهای غربی، متعلق به ایران باشد. منشأ اصلی این گل از بین رفته‌است، ولی قرن‌هاست که پرورش گل رز، به خصوص در مناطق فارس و کاشان به عنوان منبعی برای تهیه‌ی عطر ادامه دارد. (این همان گل رزی است که حسب وصیت عمر خیام، گلبرگ‌هایش را بر مقبره او در نیشابور پخش می‌کردند؛ و قلمه‌ای از آن، گیاهی را به وجود آورد که بر مقبره «ادوارد فیتز جرال» Edward Fitzgerald در دهکده «Boulge»

نزدیک «وود بریج Wood Bridge» در شهر «سافولک Suffolk» سایه افکنده است.) گل نسترن که به رنگ صورتی مایل به بنفش یاسی و گیاهی بالارونده و خوشبوست، یکی دیگر از گل‌های اصیل ایرانی است. گل دیگری هم از دوران سلطنت امرای صفوی در اصفهان، و دیگری در تهران آن قدر گسترده شده بود، که بیست و پنج نفر به راحتی می‌توانستند در سایه آن بنشینند. گل رزهایی هم به نام گل زرد از خانواده (Rosa Foetida) در قرن شانزدهم برای اولین بار از ایران زمین به اروپا برده شد. گل نرگس که تقریباً به اندازه گل رز محبوب است، اسراری مشابه دارد. در فارس، وقتی سطح آب بالا می‌آید، دشت‌های گسترده‌ای از نرگس ظاهر می‌شود. اگرچه این گیاه را قرن‌هاست که پرورش داده‌اند، ولی معلوم نیست منشأ اصلی آن در ایران بوده یا نه؛ فقط می‌دانیم «نای - جی Nai-Gi» نام چینی آن و «نارکسیسوس Narkissos» نام یونانی آن به ترتیب برگرفته از نام‌های فارسی و

فرشینه‌ای با هزاران گل

تأثیر عناصر باغها بر سایر هنرها

ترجمه لیلا احمدی

